

دکتر سید محمود کاشانی

وکیل پایه یک دادگستری

نگاهی گذرا به لایحه قانونی بودجه

لایحه بودجه و محتوای آن موجب شد تا از همکار گرامی آقای دکتر محمود کاشانی بخواهیم با توجه به اشراف ایشان به موضوع، مطلبی در این خصوص تهیه کنند.

آقای دکتر کاشانی با تأکید بر آنکه لایحه بودجه سال ۱۳۸۳ همان مسیری را در پیش گرفته است که قانون بودجه سال ۱۳۸۲ پیمود، نامه‌ای را که در نقد بودجه سال ۱۳۸۲ به شورای نگهبان ارسال کرده بودند در اختیار کمیسیون انتشارات قرار دادند.

این نامه با اندک تغییر و با جمله‌ای از نویسنده با این مضمون:

«از آنجا که لایحه بودجه سال ۱۳۸۳ تکرار مندرجات بودجه سال جاری بوده و علیرغم شعارهای خصوصی‌سازی برنامه پنجساله سوم، نظام دولت سالاری در آن همچنان ادامه یافته و نزدیک به ۲۰ درصد به بودجه شرکت‌های دولتی نیز افزوده شد و بیش از هشت میلیارد دلار وام خارجی در آن پیش‌بینی شده است لذا نقد بودجه سال ۱۳۸۲ می‌تواند چشم‌انداز روشنی از مشکلات اقتصادی و اجتماعی کشور در سال آینده ارائه دهد.»

به محققین گرامی تقدیم می‌شود.

بودجه سال ۱۳۸۲

تخلف از قانون اساسی، عامل رکود اقتصادی

لایحه بودجه سال ۱۳۸۲ کل کشور بدون رعایت اصول مربوط به تنظیم بودجه، بدون رعایت تعاریف و معیارهای مذکور در قانون برنامه و بودجه کشور مورخ ۱۲

فروردین ۱۳۵۲ و بدون رعایت اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از سوی دولت تدوین و به مجلس تقدیم شده است. به جای آنکه کمیسیون بودجه که یک کمیسیون تخصصی است با داشتن فرصت‌های لازم به بررسی کلیات و جزئیات آن پردازد یک کمیسیون ویژه به نام تلفیق بی‌کم و کاست به تصویب آن پرداخته است و این مجموعه مواد پراکنده را به صحن مجلس آورده‌اند. در این شرایط با تشکیل جلسات پی‌درپی مجلس و در سه شیفت کاری، عملاً نمایندگان دلسوز و علاقمند از یک بررسی واقعی و اظهارنظرهای مستدل باز مانده و لایحه بودجه دولت به شورای نگهبان تقدیم شده است. بسیار دشوار است که در زمینه تبصره‌ها و بندهای گوناگون این مصوبه در یک فرصت کوتاه اظهارنظر شود. ولی واقعیتی که همه ساله دنبال می‌شود این است که دولت موارد متعددی را که نیاز به قانون جداگانه دارد وارد لایحه بودجه کرده و این لایحه را از مسیر طبیعی و قانونی خود بیرون برده و با استفاده از این روش، مقاصد غیربودجه‌ای خود را از تصویب مجلس می‌گذرانند. روش ناپسند و غیرقانونی که به جز در دوره‌های اول و دوم مجلس، شورای نگهبان هیچ‌گاه برخورد اصولی با آن نکرده و همین امر، نظام مالی و قانونگزاری کشور را به آشفتگی کامل کشیده است.

تدوین و تصویب لایحه بودجه به این کیفیت و نقض اصول قانون اساسی علت اصلی پیدایش و گسترش فساد در کشور است ولی به جای برقراری حکومت قانون به معنی واقعی کلمه و مبارزه جدی با فساد، شعار مبارزه با آن داده می‌شود. جلسات مشترک سران سه قوه برگزار می‌گردد و روی امواج تلویزیون، به مبارزه با فساد می‌پردازند. من با قاطعیت می‌گویم که فساد در این کشور ریشه در ساختار قوای سه‌گانه و در عدم انجام وظایف قانونی آنان دارد و بی‌اعتنایی به اصول قانون اساسی از سوی دولت، مجلس و قوه قضائیه ریشه همه فسادها و نابسامانی‌ها در این کشور است. با این مقدمه مسؤلیت سنگین شورای نگهبان که برای دفاع از سنگر و حریم قانون اساسی برپا گردیده است بر همگان آشکار است. در برابر کتاب لایحه بودجه و ۲۱ تبصره و بندهای گوناگون آن، یک گروه کاری از حقوقدانان باید به بررسی بندها و آن پردازند و من به دلیل کمبود فرصت، در این نوشته تنها به ذکر پاره‌ای از ایرادات اصولی و آشکار آن بسند می‌کنم:

۱- بودجه شرکت‌های دولتی

با وجود مقررات گوناگونی که در زمینه خصوصی سازی در مجلس تصویب شده است اقتصاد دولتی در کشور هم چنان پابرجاست و روزبروز گسترش می یابد. در حالی که این شرکت‌های دولتی غالباً زیان‌ده هستند، دولت به جای انجام وظیفه قانونی و اجرای قانون اساسی برخلاف تکلیف خصوصی سازی هیچ سیاست و اراده روشنی برای نجات دادن دولت و اقتصاد کشور از سیطره شرکت‌های دولتی ندارد و در بند «ب» ماده ۲ لایحه بودجه سال آینده، بیش از ۵۵ هزار میلیارد تومان از بودجه کل کشور را به این شرکت‌های دولتی اختصاص داده است. به باور بسیاری از صاحب‌نظران، عمده کمک‌هایی که به شرکت‌های دولتی در طول سال‌های گذشته داده شده است به هدر رفته و از آنها چیزی عاید ملت نگردیده است. پرداخت حقوق‌ها و پاداش‌های کلان، سوءاستفاده‌های مالی و انواع ریخت و پاش‌ها و فساد در این شرکت‌ها یک امر عادی گردیده است. در حالی که اقتصاد دولتی و بیمار کشور از پدیده ویرانگر تورم رنج می برد، بودجه این شرکت‌ها دائماً روبه فزونی است. از سوی دیگر شرکت‌های دولتی به دلیل بازده اندک و هزینه‌های سنگین و عدم بهره‌وری از سرمایه‌ها و نیروهای کاری که در اختیار آنهاست، خود از دلایل عمده افزایش تورم هستند. در این شرایط اختصاص دو سوم بودجه کل کشور به شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات غیرانتفاعی به معنی ادامه یافتن نظام دولت سالاری است و دولت را برخلاف بند ۲ اصل ۴۲ قانون اساسی «به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورده» است.

پیامد مستقیم کنترل دولت بر بیش از ۸۰ درصد اقتصاد و صنعت و نظام بانکداری کشور، تحمیل رکود اقتصادی است که عامل اصلی بیکاری میلیون‌ها تن از جوانان آماده کار و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌هاست. افزون بر آن با بودجه اندکی که برای انجام وظایف حاکمیتی دولت باقی مانده، دستگاه دولتی از انجام تکالیف خود در زمینه آموزش و پرورش، دادگستری، بهداشت و درمان، تأمین امنیت عمومی کشور و مبارزه مؤثر با بزهکاری بازمانده است. این اوضاع و احوال، حاصل ایجاد نظام دولت سالاری است که در تجربه جهانی محکوم به فناست.

لایحه بودجه دولت و مصوبه مجلس در این مورد، اصل ۵۲ قانون اساسی را نیز نادیده گرفته است. برطبق این اصل، بودجه سالانه کشور باید: «به ترتیبی که در قانون

مقرر می‌شود از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردد». همچنین ماده ۱۱ قانون برنامه و بودجه مصوب ۱۳۵۲ دولت را مکلف ساخته است بودجه کل کشور را طبق قانون محاسبات عمومی و با رعایت این قانون تهیه کند. دولت در تدوین بودجه شرکت‌های دولتی این مقررات آمره و لازم‌الاجرا را نادیده گرفته است و همان‌گونه که گفتیم در بند «ب» ماده ۲ این لایحه تنها به ذکر یک رقم کلی یعنی ۵۵ هزار میلیارد تومان در مورد بیش از ۵۰۰ شرکت کوچک و بزرگ دولتی بسنده کرده است. این رقم نجومی که در درون آن فعل و انفعالات بزرگی صورت می‌گیرد به گونه سر به مهر به مجلس تقدیم گردیده است و بر طبق آن بیش از ۶۴ درصد بودجه کل کشور به شکم سیری ناپذیر این شرکت‌ها سرازیر می‌شود. ولی شگفت‌انگیز این است که مجلس به هیچ عنوان در این مصوبه نتوانسته است به تکلیف قانونی خود که در اصل ۵۲ قانون اساسی به آن تصریح شده است یعنی رسیدگی و تصویب یا رد بودجه شرکت‌های دولتی اقدام کند. اکثریت نمایندگان که به این بند از لایحه بودجه رأی داده‌اند هرگز مجاز نبوده‌اند چشم بسته به رقم پیشنهاد شده از سوی دولت اعتماد کرده و رسیدگی دقیق و کامل به ارقام هزینه‌ها و درآمدهای این شرکت‌ها را به فراموشی بسپارند.

این شیوه ارائه بودجه از سوی دولت برخلاف ماده ۱۱ قانون برنامه و بودجه و تصویب آن از سوی مجلس بر خلاف نص صریح اصل ۵۲ و دیگر اصول قانون اساسی است. تأیید این بند از مصوبه از سوی شورای محترم نگهبان نیز به معنی زدن مهر تأیید بر نابسامانی، هرج و مرج، فساد و سوء استفاده‌های کلان و ریخت و پاش‌ها در دو سوم بودجه دولت و بیت‌المال است که البته مسئولیت کامل آن متوجه اعضای آن شورا است. با این روند روشن است که دولت هیچ سیاست روشن و قابل قبولی را در زمینه‌های ملی ایران از نظام ویرانگر اقتصاد دولتی در پیش نخواهد گرفت. چنان‌که تاکنون نیز چنین اراده‌ای را از خود نشان نداده است. از سوی دیگر گروهی که بیش از ۲۰ سال است سیاست و اقتصاد کشور را در کنترل خود درآورده‌اند هیچ گام مؤثری در جهت ایجاد یک بخش خصوصی پویا و نیرومند برنخواهند داشت و نابسامانی در اقتصاد کشور، رکود، تورم و بیکاری نسل جوان همچنان بر جامعه ما حکمفرما خواهد بود.

۲- تبعیض ناروا در پذیرش داوطلبان ورود به دانشگاه

در بند «ج» تبصره ۱۷ مصوبه مجلس به وزارت علوم اجازه داده شده است، دانشجویان ایرانی را که در دانشگاه‌های خارج از کشور اشتغال به تحصیل دارند به دانشگاه‌های داخل منتقل کرده و معادل ارز تخصیص داده شده به هر دانشجو، شهریه ریالی دریافت دارد. در حالی که گروه بزرگی از داوطلبان آزمون سراسری دانشگاه‌ها با داشتن استعداد، شور و اشتیاق فراوان و داشتن نمرات درسی بالا در آزمون سراسری، به دلیل کمبود ظرفیت از ورود به دانشگاه‌های دولتی باز می‌مانند، ثبت‌نام از این گروه از دانشجویان که در دانشگاه‌های خارج از کشور اشتغال به تحصیل دارند صرفاً به این دلیل که خانواده‌های آنان از امکانات مالی برخوردار هستند و بدون پذیرفته شدن در آزمون سراسری یک تبعیض نارواست. بند الحاقی به تبصره ۱۷ (در کمیسیون تلفیق) در جهت گسترش این تبعیض گام برداشته و با دستاویزهایی چون: «پاسخگویی مناسب به افزایش تقاضای اجتماعی برای ورود به دانشگاه‌ها، استفاده کارآمدتر از ظرفیت‌های بلااستفاده دانشگاه‌ها، تنوع بخشی شیوه‌های پذیرش دانشجو»، در صدد است تا با گرفتن شهریه و بدون شرکت و پذیرفته شدن در آزمون سراسری، گروهی از داوطلبانی را که دارای شروط لازم علمی نیستند وارد دانشگاه‌ها کرده و نظام آموزش عالی کشور را دچار نابسامانی بیشتر کند.

هر دو بند تبصره مزبور، افزون بر اینکه قانونگزاری هستند و نمی‌توانند در لایحه بودجه به مجلس تقدیم شده و به تصویب برسند اصولاً برخلاف بند ۹ و بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی می‌باشند. این اصل از جمله تکالیف دولت را رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی بر شمرده و رعایت تساوی عموم در برابر قانون را از تکالیف دولت دانسته است. علاوه بر الزامات داخلی دولت و تکلیف پرهیز از روش‌های تبعیض‌آمیز، مصوبه مجلس شورای اسلامی برخلاف ماده هفتم اعلامیه جهانی حقوق بشر و تجاوز از الزامات بند یکم ماده ۲۶ میثاق جهانی حقوق مدنی و سیاسی است که دولت ایران به آن پیوسته و جمهوری اسلامی ایران بارها پای‌بندی خود را به آن اعلام کرده است ولی در عمل بسیاری از مندرجات آن را نادیده می‌گیرد.

۳- استقراض خارجی برای ساخت و ساز غیرقانونی در تهران

بند «د» تبصره ۱۶ لایحه دولت با دستاویز پیشگیری از حوادث غیرمترقبه از جمله زمین‌لرزه به شهرداری تهران اجازه گرفتن ۳۰۰ میلیون دلار وام ارزی خارجی با تضمین بانک مرکزی را داده است. هدف از این استقراض خارجی که با بهره‌های سنگین همراه است چیزی جز اجرای ساخت و سازهای غیرقانونی، برج‌سازی و یا اصطلاح تازه آن انبوه‌سازی از سوی گروهی از افراد وابسته به شهرداری نیست. شهر تهران بر اثر تجاوز به مقررات شهرسازی و زیر پا گذاشتن طرح‌های جامع و تفصیلی از سوی شهرداری تهران دچار گرفتاری‌های بزرگ و بحران‌های خطرناکی در زمینه‌های گوناگون از جمله آلودگی فزاینده هوا، کم‌آبی و بی‌آبی، ترافیک سنگین، گرانی مسکن و اجاره‌بها و گسترش بزهکاری گردیده است. نمونه‌ای از برج‌سازی خائنانه‌ای که پایتخت و سکّان امنیت ملی کشور را به شهری غیرقابل زیست تبدیل کرده پروژه خیابان نواب است که با دستاویز بهسازی بافت‌های فرسوده، به حقوق ساکنان آن منطقه خسارات غیرقابل جبران وارد کرده است. اکنون دستگاه دولتی می‌خواهد همین تجربه را در بخش‌های دیگر و از طریق استقراض خارجی نزولی و تضمین بانک مرکزی تکرار کند. کاملاً آشکار است که شهرداری تهران به عنوان یک نهاد عمومی، بر طبق ماده ۳ قانون شهرداری مصوب سال ۱۳۳۴ دارای شخصیت حقوقی است و از دولت جدا می‌باشد و باید منحصراً از طریق درآمدها و هزینه‌های خود اداره شود و هر یک از شهرداری‌ها در سراسر کشور دارای بودجه مستقل و مربوط به خود هستند. گروه هوادار دولت در مجلس برای حل این مشکل قانونی، عبارات این بند را تغییر داده و هدف خود را این‌گونه دنبال کرده‌اند که به وزارت کشور اجازه داده می‌شود با هماهنگی وزارت مسکن به میزان ۳۰۰ میلیون دلار از استقراض خارجی با تضمین دولت برای بهسازی بافت‌های فرسوده شهرهای بزرگ به ویژه تهران و احداث مجتمع‌های مسکونی استفاده کند. صرف نظر از اینکه این امور خارج از صلاحیت‌های قانونی وزارت کشور هستند، اصولاً بر طبق اصل ۸۰ قانون اساسی، دولت فقط برای خود می‌تواند از وام‌های داخلی یا خارجی آن هم در یک لایحه قانونی مستقل و با تصویب مجلس استفاده کند. دولت به هیچ عنوان حق ندارد با استقراض خارجی وجوهی را آنچنان که در بند «ز» تبصره ۲۱ مصوبه مجلس آمده است

از بانک‌های خارجی دریافت کرده و در اختیار بخش‌های تعاونی و خصوصی در تهران قرار دهد.

تهران چه تافته جدا بافته‌ای است که دولت می‌خواهد برای اصلاح بناقت‌های فرسوده آن استقراض نزولی خارجی کند ولی میلیون‌ها تن از هم‌میهنان ما در شهرها و روستاها در سراسر کشور در برابر زمین‌لرزه‌ها و حوادث غیرمترقبه باید بی‌دفاع مانده و در هر زمین‌لرزه‌ای زیر خروارها خاک مدفون گردیده و جان و مال خود را از دست بدهند؟ نمایندگان شهرستان‌ها که به این بند، رأی مثبت داده‌اند چه پاسخی برای شهروندان و رأی‌دهندگان حوزه انتخابیه خود در مورد چنین مصوباتی خواهند داشت؟ چنین امری مخالف صریح اصل ۸۰ قانون اساسی و در برگیرنده تبعیض ناروا نیز می‌باشد و بنابراین مخالف بندهای ۹ و ۱۴ اصل سوم قانون اساسی نیز خواهد بود. حقیقتاً شگفت‌آور است که این گروه در نابود کردن پایتخت کشور چنان مصمم می‌باشند که اقداماتی چون تراکم فروشی، آنان را بسنده نکرده است و اکنون می‌خواهند با توسل به استقراض نزولی این شهر را که گرفتار منجلابی از بدبختی و تیره‌روزی است به سقوط کامل بکشانند.

۴- گرفتن وام‌های خارجی و داخلی

در بندهای گوناگون تبصره ۲۱ ارقام متعدد و سنگینی از وام‌های خارجی و داخلی پیش‌بینی شده که در آنها اصول قانون اساسی و مقررات آیین‌نامه داخلی مجلس رعایت نگردیده است. بودجه سالانه دولت یک سند مالی است که در یک ستون آن درآمدها و در ستون دیگر آن هزینه‌ها برای اجرای قوانین مصوب مجلس درج می‌شود و به تصویب مجلس می‌رسد. هدف از تنظیم و تصویب بودجه، ایجاد توازن واقعی میان درآمدها و هزینه‌های دولت در خلال سال مالی بودجه می‌باشد. آشکار است که گرفتن وام خارجی یا داخلی، درآمد محسوب نمی‌شود و دولت نمی‌تواند کسری بودجه خود را با آن جبران کند. گرفتن وام، دولت را بدهکار می‌کند و در واقع ستون بدهی‌های دولت را افزایش می‌دهد. سیاست استقراض‌های خارجی و به‌گروگزاردن گمرکات، شیلات و معادن نفت و غیره در دوران شاهان قاجار رایج شد و موجب نارضایی ملت ایران گردید و همین امر یکی از دلایل انقلاب مشروطیت بود. مردان باشرافتی که قانون اساسی

مشروطیت را تدوین و به تعهد و امضای شاه قاجار رساندند در اصل بیست و پنجم آن چنین مقرر ساختند که:

«استقراض دولتی به هر عنوان که باشد خواه از داخله، خواه از خارجه با اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی خواهد بود».

در همین راستا هنگامی که پس از تشکیل مجلس اول صدراعظم شاه درخواست یک وام خارجی کرد نمایندگان با شرافت آن مجلس با بحث و بررسی در زمینه مبالغ درخواست شده و عدم احراز ضرورت آن از تصویب وام مورد درخواست خودداری کردند و با این برخورد قاطع، مفهوم حاکمیت ملت و اصل تفکیک قوا را برای نخستین بار در کشور ما به مورد اجرا گزاردند. ولی اکنون می‌بینیم کشور به دوران شاهان قاجار بازگشته و در لایحه بودجه سال ۸۲ دولت، افزون بر ارقام بزرگی از فروش نفت و گاز که فروش ثروت ملی است، ارقام بسیار بزرگی از وام‌های خارجی و داخلی و حتی استفاده از مجوزهای باطل شده سال‌های قبل پیش‌بینی شده است. صدور مجوز ۲ میلیارد دلار استقراض مستقیم، ۶۱۸ میلیارد دلار بیع متقابل و فاینانس، ۸۰۰ میلیارد تومان اوراق قرضه داخلی به نام مشارکت همگی نشان‌دهنده غیرواقعی بودن ارقام بودجه و کسری بودجه جدی دولت است. استفاده از مجوزهای داده شده در سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ در بند ۱۰۱ تبصره ۲۱ و همچنین اجازه استفاده از باقیمانده مجوزهای تبصره ۲۹ قوانین بودجه سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۱ که در بند ۱۰۱، تبصره ۲۱ لایحه بودجه و مصوبه مجلس آمده و رقم کلی آن از سوی پاره‌ای از نمایندگان ۴۶۱۸ میلیارد دلار برآورد شده* روشی کاملاً خلاف قانون اساسی است. بودجه کل کشور، یک سند سالانه است و با انقضای هر سال مالی، ارقام و مندرجات آن سال منتهی می‌گردد و بودجه سال بعد بر پایه ارقام جدید درآمدها و هزینه‌ها تصویب می‌شود. بنابراین دولت نمی‌تواند مجوزهای استفاده نشده در سال‌های گذشته و مذکور در بودجه‌های سال‌های قبل را در لایحه بودجه سال ۸۲ خود بیاورد و مصوبه مجلس نیز که این مجوزهای باطل شده را درست حتی بدون ذکر ارقام تصویب کرده راه تخلف از اصول قانون اساسی را در پیش گرفته است.

* - نقل از مشروح مذاکرات مجلس، جلسه ۲۸۹، صفحه ۱۹ سخنان آقای دکتر حسن سبحانی.

در هر حال مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند در مورد استقراض‌های خارجی و داخلی، به دادن «مجوز» بسنده کند. در هیچ یک از اصول قانون اساسی، دادن مجوز از سوی مجلس پیش‌بینی نشده است. اصل ۸۰ قانون اساسی در زمینه گرفتن وام‌های خارجی و داخلی تصریح به ضرورت تصویب مجلس شورای اسلامی کرده است. مفهوم حقوقی تصویب مجلس این است که دولت در مورد هر استقراض، لایحه مستقلاً به مجلس تقدیم کند که در آن رقم دقیق میزان وام درخواستی، شخص حقوقی وام‌دهنده خارجی، میزان بهره وام، سررسید بازپرداخت وام، منبع بازپرداخت و محل هزینه کردن آن را به روشنی برای نمایندگان مردم تشریح کند و در این صورت هر گاه مجلس ضرورت گرفتن چنین وامی را احراز کرد لایحه دولت را تصویب کند.

ماده ۲۱۲ آیین‌نامه داخلی مجلس نیز در زمینه شیوه اجرای اصل ۸۰ و دیگر اصولی که در آنها سخن از تصویب مجلس به میان آمده است مقرر ساخته است که: «در تمام موارد مذکوره، موظف است متن تفصیلی آنها را همراه با لایحه قانونی تقدیم مجلس نماید تا به صورت یک شوری مورد رسیدگی قرار گیرد...».

بدین ترتیب برداشت نمایندگان ادوار گذشته مجلس که آیین‌نامه داخلی را تصویب کرده‌اند از مفهوم حقوقی تصویب مجلس در اصول ۸۰، ۸۲ و ۱۳۹ قانون اساسی آن بوده است که دولت باید در مورد هر درخواست وام داخلی یا خارجی لایحه مستقلاً به مجلس تقدیم کند. از سوی دیگر دادن مجوز کلی از سوی مجلس به دولت به معنی این است که تصمیم‌گیری در زمینه همه مسائل مربوط به قراردادهای وام که باید از سوی نمایندگان مردم مورد رسیدگی و تصویب قرار گیرد به قوه مجریه واگذار شود و این برخلاف اصل ۸۵ قانون اساسی است که تفویض اختیار قانونگزاری به اشخاص را ممنوع دانسته است. بنابراین دولت نمی‌تواند استقراض‌های خارجی و داخلی خود را در خلال لایحه بودجه که صرفاً یک سند مالی سالانه است به مجلس تقدیم و به گرفتن یک مجوز کلی از مجلس که اکثریت نمایندگان آن تابع دولت هستند بسنده کند و نص صریح اصل ۸۰ قانون اساسی و آیین‌نامه داخلی مجلس را زیر پا گذارد. اینها چیزی به جز آسیب رساندن به حقوق ملت ایران نیست.

شگفت‌انگیزتر این است که لایحه بودجه و مصوبه مجلس که در تبعیت محض از لایحه دولت

است، به فرمول‌ها و اصطلاحاتی چون: بیع متقابل، فاینانس، فاینانس خودگردان، تأمین مالی پروژه‌ها، تأمین و تضمین تسهیلات خارجی، B.O.T که آن را «ساخت، بهره‌برداری و واگذاری» تفسیر کرده‌اند و اوراق مشارکت متوسل شده است که هدفی به جز پنهان کردن استقراض‌های خارجی و داخلی ندارند. این روش‌ها هدفی به جز پنهان‌کاری و بی‌خبر نگاه داشتن رسانه‌ها و ملت از آنچه بر بیت‌المال و بر این کشور می‌گذرد ندارند. جوهر و ذات همه این عناوین، گرفتن وام‌های سنگین از داخل و خارج است. شورای نگهبان نمی‌تواند مصوبه‌ای را تأیید کند که در نتیجه آن، الزامات صریح اصل ۸۰ قانون اساسی در پوشش این فرمول‌ها نادیده گرفته شود. شورای نگهبان همچنین نمی‌تواند ضرورت تصویب مجلس در مورد هر قرارداد وام را نادیده گرفته و تنها به غیرشرعی بودن بهره بانکی وام‌های خارجی که البته در هر استقراض خارجی گریزناپذیر می‌باشد بسنده کند. چرا که با این کار، راه را برای عوامل دولتی در مجلسی باز می‌کند که بلافاصله به مجمع تشخیص مصلحت متوسل شوند و ایراد شرعی شورای نگهبان را رفع و رجوع کنند.

توسل دایمی دولت به فرمول «مجوز مجلس» و آوردن استقراض‌های کلان در لوایح بودجه سالانه، اکنون دولت و ملت ایران را دچار بدهی‌های سنگین کرده و تنها در سال ۱۳۸۲ باید مبلغ ۲۵۶ میلیارد تومان سود اوراق به اصطلاح مشارکت سررسید شده و در واقع بهره یا ربای اوراق مشارکت را پرداخت کند و این غیر از مبلغ اصل بدهی اوراق به اصطلاح مشارکت سررسید شده است. اصل این اوراق در سال ۱۳۸۲، رقم ۲۴۸ میلیارد تومان و وام‌های خارجی ۲۱۴۴ میلیارد تومان است.^{۳۳} این ارقام سنگین جدای از بدهی‌های ناشی از قراردادهای پنهانی بیع متقابل وزارت نفت با شرکت‌های خارجی است که هیچ‌گاه ارقام آن‌ها به مجلس تقدیم می‌شود و نه در رسانه‌ها منتشر می‌گردد. به این ترتیب دولت و ملت ایران گرفتار قراردادهای وام با بهره‌های سنگین شده و این سیستم ربادهی به دلیل نقض اصل ۸۰ قانون اساسی و با تأیید شورای محترم نگهبان برقرار گردیده است.

در مجموع، مندرجات تبصره ۲۱ لایحه بودجه سال ۸۲ دولت و مصوب مجلس به دلیل اینکه

۳۳ - نقل از مشروح مذاکرات مجلس، جلسه ۲۸۹، صفحه ۴۱، سخنان آقای عبدالله پوری حسینی.

ملت ایران را گرفتار ارقام نجومی و نامعلوم بدهی‌های خارجی و داخلی می‌کند و در عمل معادن نفت و گاز کشور را در گرو شرکت‌های خارجی قرار می‌دهد، خطری برای امنیت ملی می‌باشد. مندرجات بند ۱۴ تبصره ۱۱ لایحه دولت که ناظر بر امنیت و نظم دولت می‌باشد و رقم بزرگی را برای کشف و خنثی کردن توطئه‌ها و دخالت‌های دولت آمریکا در امور ایران و همچنین برای عناوین موهوم دیگری چون تنویر افکار عمومی در مورد تهاجم فرهنگی آمریکا و نقض منشور ملل متحد و بیانیه‌های الجزایر اختصاص داده است، صرف‌نظر از ایرادات بودجه‌ای آن، برخوردی نمایشی و بی‌هوده با چالش‌های نگران‌کننده‌ای است که در بیست و چهارمین سالگرد انقلاب، کشور ما را تهدید می‌کنند. تجربه نشان داده است که دولتی کردن اقتصاد ملی و تحمیل نظام دولت‌سالاری و پیامدهای شوم آن چون رکود اقتصادی، بیکاری و فساد بر جامعه، گرفتار کردن ملت در زیر بار انبوه بدهی‌های خارجی و داخلی، تخریب محیط زیست و گسترش بی‌رویه و آشفته کردن شهرها، ساده‌ترین راه برای ویران ساختن کاخ امنیت ملی و فروپاشی کشورهاست. نمونه‌ای از آن، تجربه فروپاشی نظام دولت‌سالاری شوروی سابق است که در پیش چشم ملت ایران قرار گرفته است.